

رساله ای در باب وصیت

برگرفته از متن کتاب «رساله فی الوصایا»

نویسنده:

للشیخ مرتضی بن محمد امین الأنصاری (ره)

مترجمین:

جاسم بوعدار

ناصر بوعدار

بهار ۱۴۰۱

سرشناسه	انصاری، مرتضی بن محمد امین، ۱۲۱۴ - ۱۲۸۱ ق.
عنوان قراردادی	رسالة فی الوصایا. فارسی
عنوان و نام پدید آور	رساله‌ای در باب وصیت: برگرفته از متن کتاب «رساله فی الوصایا» نویسنده مرتضی بن محمد امین الانصاری (ره)؛ مترجمین جاسم بوعذار، ناصر بوعذار.
مشخصات نشر	تهران: گنجور، ۱۴۰۱
مشخصات ظاهری	۱۸۹ ص.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۳۰۲-۱۱۲-۱
وضعیت فهرست نویسی	فیا:
یادداشت	کتابنامه.
موضوع	وصیت و وصیت‌نامه‌ها (فقه) Wills (Islamic law)
شناسه افزوده	بوعذار، جاسم، ۱۳۷۰- مترجم
شناسه افزوده	بوعذار، ناصر، ۱۳۶۴- مترجم
رده بندی کنگره	BP۱۹۲/۷
رده بندی دیویی	۲۹۷/۳۷۲
شماره کتابشناسی ملی	۸۸۰۶۲۹۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی	فیا:



نشر گنجور

نام اثر: رساله‌ای در باب وصیت

نویسنده: للشیخ مرتضی بن محمد امین الانصاری (ره)

مترجمین: جاسم بوعذار، ناصر بوعذار

ناشر: گنجور

صفحه آرا: الهه حسین آبادی

طراح جلد: گنجور

سال و نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۱

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۰۲-۱۱۲-۱

قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، کوچه شهدای ژاندارمری، پلاک ۱۲۷،

تلفن: ۰۲۱۶۶۴۹۱۰۵۶-۰۹۱۲۰۶۱۷۲۸۳ (www.ganjoorpub.ir)

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار مترجم	۱۱
پیشگفتار پژوهش	۱۵
مقدمه	۱۹

فصل اول: وصیت / ۲۵

معنای لغوی وصیت	۲۶
مفهوم فقهی وصیت	۲۷
روایتی در توضیح چگونگی وصیت	۲۸
نیاز وصیت به موصی و موصی له و موصی به	۳۰
شناخت وصیت تملیکیه و اینکه موصی له از اجرای وصیت تملیکیه است ۳۰	
آیا وصیت عقد است؟	۳۱
ایجاب عقد وصیت	۳۳
اعتبار ایجاب لفظی	۳۳
در ایجاب، صرف اشاره و کتابت کفایت نمی کند	۳۳
الزامی در نگارش وصیت به عهده ورثه نیست هر چند به بخش‌هایی از آن	
عمل کرده باشند	۳۶
الفاظ دال بر ایجاب وصیت	۳۷
قبول وصیت	۳۸

- وصیت به انتقال ملک به موصی له، با فوت موصی و قبول تحقق می‌یابد... ۳۸
- نتیجه آنچه که در قول به کشف تکیه کردند، پاره ای موارد است..... ۴۱
- قبول پیش از وفات جایز است..... ۴۹
- رد قبول وصیت در زمان حیات موصی تاثیری ندارد..... ۵۲
- وصیت، در صورتی که پس از فوت و پیش از قبول رد شود، باطل است ۵۲
- در صورتی که موصی له پیش از قبول بمیرد، ورثه جای او را می‌گیرند ۵۴
- تفصیل میان آنکه مقصود موصی، به شخص موصی له و عدمش باشد..... ۶۰
- حکم فوت موصی له پس از موصی..... ۶۲
- فرعی بر قول به کشف و نقل..... ۶۳
- اشاره..... ۶۳
- حرمت و بطلان وصیت به گناه و معصیت..... ۶۹
- وصیت به طور مطلق از جانب موصی جایز است..... ۷۱
- تحقق رجوع از وصیت به وسیله لفظ یا فعل منافی..... ۷۲
- اشاره..... ۷۲
- در صورتی که فعل منافی با وصیت از روی ناآگاهی رخ دهد..... ۷۳
- خارج کردن موصی به از آنچه متعلق آن است، مصداق رجوع است..... ۷۶

فصل دوم: موصی / ۷۷

فصل سوم: موصی به / ۸۱

- متعلق وصیت..... ۸۲
- اشاره..... ۸۲
- متعلق وصیت، یا عین یا منفعت است..... ۸۲
- معتبر بودن ملکیت یا اختصاص در متعلق وصیت..... ۸۲

- شرط کردن اینکه متعلق وصیت به اندازه ثلث باشد ۸۳
- بطلان وصیت به بیشتر از ثلث ۸۴
- اشاره ۸۴
- گفتار صدوق به لازم شدن وصیت گرچه از ثلث تجاوز کرده باشد ۸۶
- آیا وصیت به امر واجب و غیر آن از اصل مال یا ثلث خارج می‌شود و مقصود از ذکر وصیت به واجب چیست؟ ۸۸
- واجب بدنی و دیگر از آن، جز واجب مالی از ثلث خارج می‌شود ۹۲
- اشاره ۹۲
- قول به مقدم داشتن واجب بدنی ۹۳
- آغاز عمل به یک یک متعلق وصیت در فرض نبود امر واجب یا واجب مالی ... ۹۶
- اشاره ۹۶
- تبیین مراد اول ۹۷
- وصیت به ثلث از مال موصی و برای دیگری از ربع ۹۸
- وصیت به یک سوم برای یک نفر و به یک سوم برای نفر دیگر ۹۹
- خارج کردن وصیت اول با قرعه گذاری در فرض اشتباه ۱۰۰
- وصیت به آزاد کردن مملوکان خود ۱۰۱
- اجازه ورثه به نصف اموال با وجود اعتقاد به مقدار اندک آن ۱۰۵
- اجازه ورثه به وصیت معلوم در صورتی که ادعا کنند مقدار اندک بوده است ۱۰۸
- وصیت متعلق معین به مقدار یک سوم ۱۰۹
- اعتبار دوبرابر بودن موصی به در دست ورثه در صورتی که ملکیت متعلق به موصی له مستقر شده باشد ۱۱۰
- اشاره ۱۱۰

- ۱۱۲..... مراد از حاضر شدن دوبرابر موصی به در نزد ورثه
- ۱۱۴..... فرع
- ۱۱۴..... وصیت به ثلث مال با وجود اعتقاد موصی، به مالکیت همه متعلق
- ۱۲۰..... وصیت به آنچه که بر متعلق حلال و حرام صدق می کند
- ۱۲۵..... صحت وصیت به سگ های مملوک
- ۱۲۷..... منظر دوم پیرامون وصیت مبهم
- ۱۲۷..... اشاره
- ۱۲۸..... فرع
- ۱۲۹..... منظر سوم پیرامون احکام وصیت
- ۱۲۹..... اشاره
- ۱۳۰..... صحت وصیت به منفعت یا ثماء همیشگی یا معین شده به مدت
- ۱۳۵..... حکم اعیان معدوم حکم منفعت است
- ۱۳۵..... حکم تمتع موصی له یا وارث به کنیزی که به منافعش وصیت شده است
- ۱۳۷..... فرزند کنیزی که به منافعش وصیت شده است
- ۱۳۷..... اشاره
- ۱۳۸..... اگر این بنده به عمد کشته شود، وصیت باطل می شود
- ۱۳۸..... در صورتی که بر بنده جنایتی شود
- ۱۳۹..... نفقه برده ای که به خدمتکاری او وصیت شده است
- ۱۴۰..... وصیت به کمان
- ۱۴۰..... مشخص کردن فرد متعلق به وصیت کلی متواپی به دست ورثه است
- حکم وصیت به مملوکان در صورتی که همه به جز یک نفر بمیرند یا
- ۱۴۳..... کشته شوند

- ۱۴۴..... وصیت مطلقاً با دو شاهد ثابت می شود
- شهادت دادن اهل کتاب بخصوص در وصیت مالی در صورتی که
- ۱۴۵..... مسلمانان عادل در دسترس نباشند
- ۱۴۶..... شهادت زنان در وصیت مالی
- ۱۴۷..... وصیت به سرپرستی جز به گواهی دو عادل ثابت نمی شود
- ۱۴۷..... چهار مساله
- چهارم: اگر موصی به آزاد کردن بنده ای به ثمن معین وصیت کند و آن
- ثمن پیدا نشود، خرید آن بنده واجب نمیشود ۱۴۹.....

فصل چهارم: موصی له / ۱۵۱

فصل پنجم: وصی / ۱۵۲

- ۱۵۸..... اشاره
- ۱۵۸..... اعتبار داشتن عقل و اسلام و عدالت در وصی
- ۱۶۰..... پاسخ به قول معتبر نبودن عدالت وصی
- ۱۶۳..... تفصیل میان آنچه به حق دیگری و دیگر از آن تعلق بگیرد
- ۱۶۸..... کافی نبودن اعتماد موصی با وجود اعتقاد و باور دیگری به فاسق بودن وصی
- ۱۶۹..... کافی نبودن ظاهر نشدن فسق
- ۱۶۹..... اشاره
- ۱۷۰..... قول به کافی بودن ظاهر نشدن فسق و مناقشه پیرامون آن
- ۱۷۲..... وصی عادل در صورتی که پس از وفات موصی فسقی انجام دهد
- ۱۷۷..... سه مساله

فصل ششم: ملحقات / ۱۷۹

- ۱۸۰..... اشاره

پیشگفتار مترجم

وصیت، همان گونه که در تعریف شهیدین آمده است «تملیک عین یا منفعت یا تسلیط بر تصرف پس از مرگ» است که بنا به نص آیه شریفه سوره بقره (آیه ۱۸۰) بر هر فردی واجب است که بدان عمل کند. در اینکه آیا وصیت، عقد محسوب میشود یا خیر، آنچه آشکار است و از تحقیق عبارت های فقها به دست می آید، این است که چون وصیت به ایجاب و قبول نیاز دارد، از جمله عقود به حساب می آید. از سوی دیگر، چون تا زمانی که موصی در قید حیات است، می تواند از وصیت خود برگردد، هم چنین درباره موصی له، زمانی که پس از فوت موصی، موصی به را قبول نکند، به دست می آید که عقد وصیت جاری است. از این نظر، در پاره ای وجوه، می توان عقد وصیت را عقد لازم به حساب آورد.

مرحوم سید محمد کاظم یزدی (متوفای ۱۳۳۲ ق) در عروه الوثقی، وصیت را به دو قسم عهدی و تملیکی تقسیم کرده و گفته است در قسم اول، بدون تردید قبول معتبر نیست ولی در قسم دوم، مشهور بر آن هستند که وصیت به قبول احتیاج دارد. از این جهت، قبول جزیی از وصیت و وصیت از عقود محسوب می شود. قانون مدنی نیز، بنا به ماده ۸۳۴، در وصیت عهدی، قبول را معتبر نمی داند گرچه رد وصی پیش از فوت موصی را از عوامل بطلان وصیت ذکر کرده است. از کلام فقها نیز، این وجه اتفاق به دست می آید که موصی، باید مالک موصی به باشد؛ یعنی بتواند هر نوع تصرف که شامل فروش، بخشش و قرض دادن که باعث انتقال و مفید اباحه

انتفاع باشد، در مال خویش ترتیب اثر دهد. به این صورت که موصی، با یکی از اسبابی که اهلیت یا مالکیت را زایل می کند، هم چون صغر سن، جنون (اعم از ادواری و اطباقی)، ورشکستگی و کم خردی، ممنوع از تصرف در مال خویش نشده باشد.

درباره موضوع وصیت، آثار فقهی زیادی تالیف شده است؛ بعضی از این آثار به صورت مستقل به رشته تحریر درآمده است؛ هم چون رساله «فی الوصایا» از شیخ اعظم انصاری (۱۲۱۴ - ۱۲۸۱ هـ. ق)، و برخی آثار در ضمن ابواب فقهی دیگر به چاپ رسیده است که اغلب آثار پرداخت شده به وصیت، به چنین اسلوبی تالیف شده اند؛ هم چون مبسوط شیخ طوسی (۴۶۰ ق)، سرانر ابن اعریس (۵۷۸ ق)، تحریر و تذکره علامه حلی (۷۲۶ ق)، جامع المقاصد محقق کرکی (۹۴۰ ق)، مسالک شهید ثانی (۹۶۶ ق) و همین طور لمعه و شرح لمعه شهیدین. علاوه بر این، برخی از کتب حقوقی نیز از همین شیوه استفاده کرده اند؛ از جمله کتاب حقوق مدنی (درسهای از شفعه، وصیت و ارث) از ناصر کاتوزیان، هم چنین از سید حسین صفایی و سید مرتضی قاسم زاده با همین عنوان نوشته شده است. فقه تطبیقی (ارث و وصیت) از اکبر نایب زاده که شرح و ترجمه ای است از کتاب خلاف شیخ طوسی. در بین این آثار، کتاب رساله «فی الوصایا» از مرحوم شیخ انصاری، از جمله آثار محققانه و دقیقی است که بسیاری از مواضع باب وصیت را مورد بازشناسی و موشکافی قرار داده است. ما غالباً شخصیت فقهی و اصولی

شیخ را با دو کتاب گران سنگ و ارجمند ایشان؛ یعنی رسائل در اصول و مکاسب در فقه می شناسیم که در جای خود، باعث تجدید حیات علمی این دو زمینه علمی شد و تا به حال، ز مراجع رسمی درس حوزه های علمیه و دانشگاه ها به حساب می آید.

با این وجود، رساله حاضر نیز، واجد ویژگی های ممتازی چون بازشناسی مباحث کتاب وصیت به شیوه فقه تطبیقی، قابلیت استناد به نظرات فقها در مجامع علمی، کسب اطمینان بیشتر به نظر تحقیقی و مستند محقق انصاری در مواضع گوناگون بحث وصیت، اختصار و ایجاز در نقل مطالب بوده که مطالعه کتاب را برای خواننده دلپذیرتر می کند.

در ترجمه کتاب نیز سعی شده است ملاک های زیر رعایت شود:

۱- با توجه به اینکه پاره ای از مواضع کتاب گم شده است و ناقص محسوب می شود، در پاورقی اشاره ای به این مواضع شده است. علاوه بر اینکه مصحح کتاب نیز به مواردی که شرح مولف یافت نشده است، در پاورقی اشاره نموده است.

۲- واژگان تخصصی فقه و اصول را در برخی از پاورقی ها بنا به اقتضای کلام، توضیح داده و موارد ابهام را برطرف نموده است.

۳- نظر به اینکه سطح مطالب کتاب تخصصی بوده است، لازم است که خواننده اطلاعات اولیه و حتی کافی درباره موضوع وصیت داشته باشد تا مقصود اصلی مولف را دریابد.